

«جان فدا»؛ ۳ اپیزود از زندگی حاج قاسم

کهنه سربازی که نامش لرزه برتن دشمن می‌اندازد

۸

مروری بر چند فیلم با موضوع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

فرهنگی

۱۰

حقایقی از قهرمان

تأکید رئیس صداوسیما و معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور

رسانه

۷

نقش رسانه ملی در ضریب دهی به الگوی زن موفق

گزارشی از اولین ساعات انتشار خبر شهادت سردار در رسانه ملی

ماموریت روایت شهادت حاج قاسم



رسانه

۶

نگاهی به آثاری که با موضوع شهید سلیمانی تولید شده است

یادواره موسیقایی سردار دل‌ها



فرهنگی

۱۱

گفت‌وگوی «جام جم» با مصطفی هیودی تهیه‌کننده «مثل پدر»

روایت ۳ سال دل‌تنگی برای «پدر»



رسانه

۷

اتاق شاعر

درباره یک جمله

از وصیت‌نامه حاج قاسم

وقتی حاج‌قاسم داشت در خلوت خودش در وصیت‌نامه‌اش می‌نوشت که قبر من، مثل قبر دوستان شهیدم ساده باشد، هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد فهم این خواهش ساده‌وصمیمانه‌اواز شهادتش ده‌ها بیلبورد با هزینه‌های گزاف این جمله را برچسته کنند. آبی‌این همه بیلبورد با دستخط حاج‌قاسم چیزی جز سخاقت با وصیت این شهید عزیز است، در مورد هر متنی عده‌ای هستند که بسیار ساده‌اندیشانه فقط به کلمات فکر می‌کنند و معنا و مفهوم متن را نمی‌توانند متوجه‌بشوند. این‌گونه‌است که برای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حرمی آنچنانی ساخته می‌شود و دستخط حاج قاسم با هزینه‌های گزاف همه خیابان‌های شهر را پر می‌کند. این‌همه غفلت پهلوبه بی‌احترامی و توهین می‌زند. خود ما با دست خودمان سرمایه‌های خودمان را نابود می‌کنیم. حاج قاسم پیش‌بینی این چیزها را می‌کرده‌که این حرف‌ها را نوشت ولی بدیخانه همین حرف‌ها در عمل نشدند و خودشان بیلبورد شدند. از این عجیب‌تر نمی‌شود به یک شهید اسطوره‌ای جفا کرد. خیلی از اوقات فکر می‌کنیم آدم‌های تصمیم‌گیر و مؤثر در فهم زبان مردم مشکل دارند اما سوگ‌مندانه باید گفت این آدم‌ها در فهم زبان رهبران انقلاب اسلامی هم مشکل دارند. این نوع درک از سیره شهیدی مثل حاج قاسم جای هیچ حرفی باقی نمی‌گذارد. آن هم در روزهایی‌که مردم زیر فشار شدیدترین بحران‌های اقتصادی هستند و دشمن همه توان خود را به کار گرفته تا هم با ابزارهایی مثل تحریم، بحران در زندگی ما ایجاد کند و هم با ابزارهای رسانه‌ای در آتش این بحران بدمد؛ خود ما دست به کار می‌شویم و به او با تمام توان کمک می‌کنیم شاید در عمل هزینه این بیلبورد‌ها چیز مهمی هم نباشد اما واقعیت دردناک این است که این نوع اقدامات به نحو عجیبی در ذهنیت مردم مؤثرند و نتیجه عکس دارند. ما شنیدیم و گفتن را یاد نگرفته‌ایم. باید یک تغییر اساسی در نگرش‌ها ایجاد شود. من آمیدی ندارم که مدیران و تصمیم‌گیران فرهنگی کشور و آدم‌های پشت و روی صحنه تغییر کنند اما این آدم‌ها باید آدم‌های اصلی فرهنگ را بشناسند و مشورت بگیرند این حداقل کاری است که در این وضعیت می‌توانند بکنند. وقتی یک جنگ جهانی ملیه ذهنیت ایرانیان راه افتاده است این حد از اهمال‌کاری و نابلدی وزیر توپ زدن در زمین فرهنگ، هنر و رسانه نوبر است. شیطان از سرمربی ناپل تا فلان خواننده در بیت اروپایی همه را به میدان آورده است و دارد تلاش می‌کند که ذهنیت ما را پریشان کند آن وقت خود ما با رفتارهای عجیب و غریب و احمق و جق به او مهمات و خوراک می‌رسانیم. یا حیدر مددی

جایزه جلال آل احمد باز هم با تأخیری طولانی برگزار خواهد شد

مهم‌ترین جایزه ادبی کشور در برزخ برنامه‌ریزی



یک ماه است منتظریم برنامه نشست خبری و مراسم افتتاحیه دوره پانزدهم جایزه جلال آل احمد به‌مدت‌مان برسد اما همچنان خبری از این مراسم نیست. در گفت‌وگویی کوتاه با وجهه‌سامانی، دبیر علمی جایزه از زمان برگزاری مراسم پایانی این جایزه پرسیدیم. سامانی با تأکید بر این‌که داوری کتاب‌ها انجام و نامزدها انتخاب شده‌اند و نام آنها به‌زودی در یک نشست خبری اعلام خواهد شد، زمان دقیقی برای برگزاری مراسم پایانی به ما نگفت و از برگزاری مراسم پایانی در دهه آخر دی‌ماه به شرط فراهم بودن شرایط خبر داد. جایزه ادبی جلال آل احمد که قرار بود به ایجاد جریانی فرهنگی و تحولی منجر شود، در طول سال‌های برگزاری حتی نتوانسته زمان و مکان مشخصی برای برگزاری مراسم پایانی خود، فراهم کند و هر بار به دلیلی توجیه‌پذیر یا توجیه‌ناپذیر، زمان برگزاری مراسم تغییر کرده است. وقتی یک رویداد ادبی، خودش اهمیت خود را درک نمی‌کند و هر سال به‌شکلی و در جایی و زمانی متفاوت برگزار می‌شود، چه انتظاری داریم که بخواجه جریان ساز و تحول آفرین بشود؟



آرش شغایی
آکروه فرهنگ و هنر

مختلف، زمان‌بندی مشخصی دارد که در آن هیچ‌وقت تغییری رخ نداده است؛ یعنی هر سال در هفته ابتدایی اکتبر جوایز برگزیدگان رشته‌های پزشکی، فیزیک، شیمی، ادبیات، صلح و علوم اقتصادی در ساعات نزدیک به ظهر به وقت ساعت تابستانی اروپای مرکزی (CEST) اعلام می‌شود. بنابراین همه دوستداران ادبیات در سراسر جهان، در روز پنجشنبه هفته نخست اکتبر منتظرند تا ببینند ظهر آن روز در نشست خبری نام‌چه‌کسی به‌عنوان برگزیده بیرون می‌آید و اولین خبرنگاری که بتواند با برگزیده تماس بگیرد، خبر سال را داشت کرده است.

این جوایز در یک مراسم رسمی که هر سال در ۱۰ دسامبر، یعنی سالگرد درگذشت آلفرد نوبل برگزار می‌شود، به برندگان اهدا می‌شود. اما داستان اهدای جایزه ادبی گنگور که مهم‌ترین جایزه ادبی آثار فرانسوی‌زبان است و امسال ۱۲۰ سال از زمان اهدای نخستین دوره جایزه در روز ۲۱ دسامبر سال ۱۹۰۳ می‌گذرد، جالب‌تر هم هست. جایزه را اعضای فرهنگستان گنگور به‌بهترین اثر داستانی سال اهدا می‌کنند. آنها

«شبه‌رویداد» است. شبه‌رویداد یعنی این‌که شما یک رویداد را برنامه‌ریزی کرده تا از جنبه خبری و تبلیغاتی آن استفاده کنید. وقتی شما حتی نمی‌توانید یک روز مشخص جایزه‌تان را برگزار کنید و جایزه امسال‌تان هم در خوشبینانه‌ترین حالت، با یک و نیم ماه تأخیر برگزار می‌شود، دیگر حرف زدن از برنامه‌ریزی و استفاده از ظرفیت‌های خبری و ایجاد حساسیت و انتظار در مخاطبان، شوخی است.

دیگران چه می‌کنند؟

درباره نقش مخرب و تأثیرات جایزه‌های ادبی غرب، بسیار گفته‌ایم ولی بد نیست یک بار هم از آنها درس بگیریم؛ درس برنامه‌ریزی دقیق، نظم و بهره‌مندی از حساسیتی که در جامعه مخاطبان خود ایجاد می‌کنند. برای نمونه، شیوه برگزاری و اعلام نام برگزیدگان دو جایزه ادبی مطرح جهان یعنی نوبل و گنگور را با هم مرور کنیم. از نوبل شروع می‌کنیم. این جایزه برای معرفی برندگان جوایز رشته‌های

هر دوشنبه اول ماه در تالار مخصوص خود که در طبقه نخست رستوران «دوران» پاریس قرار دارد، دور هم می‌نشینند و درباره آثار ادبی برتر صحبت می‌کنند. روز سوم نوامبر بیرون این رستوران غوغایی به‌پاست چون همه می‌دانند برگزیده جایزه ادبی گنگور در این روز و پس از صرف ناهار اعضای فرهنگستان مشخص می‌شود. بنابراین همه خبرنگاران و رسانه‌ها منتظرند تا ناهار این عالیجنابان تمام شود و از رستوران بیرون بیایند و نام برگزیده را بگویند. اما گنگور به همین هم بسنده نکرده است چرا که برای مشخص کردن نامزدها هم چندین مرحله انتخاب پیش‌بینی شده است. برنده گنگور در چند مرحله تعیین می‌شود. در مرحله اول، ۵۰ کتاب از میان تمام کتاب‌هایی که در زمینه ادبیات داستانی چاپ شده‌اند، انتخاب می‌شوند. در مرحله دوم از میان این تعداد کتاب، باز هشت کتاب به مرحله دوم راه پیدا می‌کنند. به این ترتیب راهیابی به مرحله دوم گنگور هم برای هفت کتاب حذف شده. افتخار محسوب می‌شود. در مرحله سوم از این هشت کتاب راه یافته به این مرحله، چهار کتاب حذف می‌شود و چهار فینالیست معرفی می‌شوند. نام کتاب‌های مرحله‌نهایی را در سیدی قراری دهند و داو را با برداشتن اسم کتاب‌ها، نظر خود را درباره کتاب و کم و کیف آن اعلام می‌کنند. این روند تا ۱۰ دور ادامه دارد و نویسنده‌ای که بیشترین رای را گرفته باشد برنده گنگور است اما اگر در این مرحله، هیچ کتابی انتخاب نشد، رای دبیر جایزه، دو برابر دیگر اعضا محسوب می‌شود. بعد از انتخاب برنده، دبیرکل جایزه جلوی رستوران و در حضور خبرنگاران، نام برنده را اعلام می‌کند. ضمن این‌که این تکه را هم در نظر داشته باشید که نویسنده‌هایی که نامزد نهایی هستند، در کافه‌ای نزدیک آن رستوران منتظر پایان برنامه ناهار هستند و بعد از معرفی برنده، فرد پیروز در برابر خبرنگاران قرار می‌گیرد.

ایراد از کجاست؟

یکی از دلایل به هم ریختن برنامه‌های فرهنگی و هنری از جمله جایزه جلال در کشور ما باعث شده تا تلاش‌شود، درباره آنها برنامه‌ریزی درست و دقیقی داشت، وزیر محور بودن آنهاست. دبیران دوره‌های مختلف جایزه در جابه‌جایی‌ها و بی‌برنامگی‌های ناشی از تغییرات دولت‌ها و استعفاها و درگیری‌های داخلی وزارت ارشاد و دیگر ارکان دولت در دوره‌های مختلف، تقصیری نداشته‌اند اما همواره ترکش این اتفاقات به آنها صابت کرده است. در هیچ‌کدام از جایزه‌های ادبی، هنری موفق دنیا صدر تا ذیل برگزاری جایزه، نیاز به دریافت حکم سالانه و یک‌ساله از وزیر ندارند. وقتی اعضای هیأت علمی و دبیر جایزه می‌دانند که تنها برای چند ماه در این پست هستند، نمی‌توانند برنامه‌ریزی طولانی‌مدت و دقیقی انجام دهند. شاید لازم باشد که شورای عالی انقلاب فرهنگی که جایزه جلال مصوب خود این شورا است، درباره چارچوب انتخاب اعضای هیات علمی و دبیران جایزه، تجدیدنظری داشته باشد و مدت زمانی حداقل ۱۴ دوره‌ای را برای کار آنان تعیین کند؛ ضمن این‌که روند انتخاب این هیات علمی باید روشن باشد و همه چیز به سلیقه سیاسی و فرهنگی جریان حاکم بر وزارت ارشاد در دوره‌های مختلف گره زده نشود. شاید اگر برگزارکنندگان جایزه، داوران و دبیران آن در طول زمان وابستگی کمتری نسبت به بدنه اجرایی وزارتخانه پیدا کنند، بتوانند برای بلندمدت برنامه‌ریزی دقیق‌تری صورت دهند که حداقل شاهد برگزاری مراسم پایانی در یک روز و یک مکان مشخص در همه دوره‌ها باشیم. البته درباره جایزه جلال حرف‌های زیادی هست که به مرور خواهیم گفت.